

بررسی تأثیر قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ بر توان اقتصادی ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۲۵	ابراهیم متقی ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۴/۱۵	ابراهیم طاهری ^۲
صفحات مقاله: ۳۰ - ۹	مرتضی اسمعیلی ^۳

چکیده

در شرایطی که اعلامیه تهران مبنی بر تبادل سوخت هسته‌ای با میانجیگری ترکیه و برزیل، بین ایران، برزیل و ترکیه به امضاء رسید و همگان گمان می‌کردند که شاهد دور جدیدی از همکاری‌ها در پرونده هسته‌ای ایران خواهند بود، ولی بلافاصله و به فاصله‌ی چند روز بعد از اعلامیه‌ی تهران قطعنامه‌ی تحریمی شورای امنیت یعنی قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران به تصویب رسید. این قطعنامه تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار داد که در نوع خود بعد از وقوع انقلاب اسلامی بی‌نظیر بود و به نظر می‌رسد توان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران را به نوعی تحت تأثیر قرار خواهد داد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ بر اقتصاد ایران در دو حوزه‌ی خرد و کلان است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بعد از اقتصادی قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ آشکارتر از سایر ابعاد آن یعنی پارامترهای نظامی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد. به عبارتی این قطعنامه باعث تحلیل توان اقتصادی ایران در دو حوزه‌ی خرد و کلان می‌گردد.

* * * * *

کلید واژگان:

ایران، پرونده‌ی هسته‌ای، تحریم‌های هوشمند، قطعنامه، توان اقتصادی.

۱ استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۲ کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (آسیای مرکزی و قفقاز) دانشگاه تهران.

۳ کارشناسی ارشد علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه تهران.

مقدمه

تلاش ایران برای دستیابی به توان هسته‌ای در کنار سایر اثرگذاری‌های منطقه‌ای نظیر؛ سیاست‌ها و خط مشی خاورمیانه و هم‌چنین نمایش حقوق بشر، مواردی است که ایران در چند سال اخیر با آن روبه‌رو می‌باشد. از سال ۲۰۰۲ تاکنون میزان تبلیغات در این زمینه دو چندان شده و آمریکا و برخی از کشورهای غربی درصدد بوده‌اند که جامعه بین‌المللی را به سمت این اجماع پیش ببرند که فعالیت هسته‌ای ایران می‌تواند ماهیت غیر صلح‌آمیز داشته و صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد. (عسگری، ۱۳۸۵: ۲۳)

به همین خاطر مسأله هسته‌ای ایران به یکی از بحرانی‌ترین مسائل در روابط ایران، اروپا و به خصوص آمریکا تبدیل شده است و ایران از سوی جامعه بین‌المللی کاملاً تحت فشار قرار گرفته است به گونه‌ای که تحت فشارهای بین‌المللی در سال ۲۰۰۳ پروتکل الحاقی را امضا کرد و همراه با سه کشور اروپایی موافقت‌نامه‌های سعدآباد، بروکسل، و پاریس را امضا نمود تا از فشار جامعه بین‌المللی نسبت به خویش بکاهد. با وجود این، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحت تأثیر چند قدرت اروپایی و نفوذ ایالات متحده آمریکا، براساس بند ۷ منشور سازمان ملل، ایران را به عنوان عامل بی‌ثباتی در صلح و امنیت بین‌المللی شناختند و پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع دادند تا بحث بر سر چگونگی برخورد با ایران را به گونه دیگری به پیش ببرند.

به همین خاطر شورای امنیت اولین قطعنامه علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تحت عنوان قطعنامه‌ی ۱۶۶۹ به تصویب رساند که در آن از ایران خواسته شده بود تا ۳۱ اوت ۲۰۰۶ فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نماید، چرا که در غیر این صورت با تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک روبه‌رو خواهد شد. (هرمیداس باوند، ۱۳۸۴: ۳۲)

عدم توجه ایران به قطعنامه‌ی فوق سبب طرح دومین قطعنامه یعنی قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ در شورای امنیت و اعمال تحریم‌هایی بر علیه ایران شد. (بی‌بی‌سی، ۲۴ تیر ۱۳۸۵) قطعنامه‌ی سوم شورای امنیت پس از حدود یک ماه رایزنی در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ به تصویب رسید. چهارمین قطعنامه‌ی شورای امنیت علیه ایران قطعنامه‌ی رسمی ۱۸۰۳ بود که به

دنبال موافقت‌نامه بروکسل علیه ایران به تصویب رسید، این قطعنامه نیز ادامه‌ی نگرانی‌های جدی جامعه‌ی بین‌الملل در مورد خطرات گسترش برنامه‌ی هسته‌ی ایران را منعکس می‌نمود. برای سومین بار بود که شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق تصویب قطعنامه‌ای حاوی تحریم‌هایی بر اساس ماده‌ی ۴۱ فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد، پیامی قوی و محکم در مورد عزم بین‌المللی در ارتباط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران، برای ایران فرستاده بود.

یک روز پس از توافق غیرمنتظره‌ی گروه ۵+۱ پیرامون صدور یک قطعنامه‌ی جدید علیه ایران، پیش‌نویس این قطعنامه از سوی اتحادیه‌ی اروپا ارائه شد و تمامی ۱۵ عضو شورای امنیت بدون هیچ‌گونه بحث جدی، مخالفت یا حتی رأی ممتنع قطعنامه‌ی ۱۸۳۵ را مورد تصویب قرار دادند. این چهارمین قطعنامه‌ی تحریمی شورای امنیت و پنجمین قطعنامه‌ی رسمی آن علیه جمهوری اسلامی ایران بود.

و سرانجام قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ در شورای امنیت سازمان ملل متحد در شرایطی به تصویب رسید که آمریکایی‌ها قبل از تصویب این قطعنامه اصرار داشتند ایران به مبادله‌ی اورانیوم سه و نیم درصد و ۲۰ درصد تن دهد، به همین خاطر اردوغان و داسیلوا رهبران ترکیه و برزیل به ایران آمدند تا در این مورد با رهبران ایران و مسئولان دیپلماسی ایران به گفتگو بپردازند، این سفر انجام شد، ایران معامله را پذیرفت و بیانیه‌ی تهران منتشر شد. با وجود این، قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ در شورای امنیت به تصویب رسید و جز ترکیه و برزیل که به آن رأی منفی دادند و لبنان که به علت عدم حضور در جلسه رأی ممتنع داد، با رأی مثبت ۱۲ عضو دائم و غیر دائم شرایط جدیدی را بر موضوع هسته‌ای ایران حاکم کردند. (<http://www.seratnews.ir/>)

حال با توجه به مفروضات فوق این سؤال اصلی به ذهن می‌رسد که مهم‌ترین اهداف قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران به صورت عام و قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ به طور خاص چیست؟ در پاسخ به سؤال فوق می‌توان ادعان نمود که قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ باعث تحلیل توان اقتصادی ایران خواهد شد. بر همین اساس ما ابتدا به ارائه‌ی چارچوب نظری خویش یعنی ادبیات تحریم‌ها پرداخته، در بخش دوم و سوم تأثیر تحریم‌های حاصل از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ در ابعاد خرد و کلان بر اقتصاد ایران را مورد توجه قرار خواهیم داد، و در نهایت نتیجه‌ی پژوهش ارائه می‌گردد.

بخش نخست: دیدگاه‌های نظری در مورد تحریم‌ها

از دیرباز تاکنون، سلاح اقتصادی همواره از ابزارهایی بوده که در روابط بین ملت‌ها در جهت تشویق یا تنبیه و برای تغییر یا تعدیل رفتار طرف مقابل مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این ابزار به‌ویژه پس از توسعه‌ی تجارت بین‌الملل و پیشرفت تکنولوژی نظامی اهمیت بیشتری یافته است. با وجود این، در هر مرحله از دیپلماسی تجاری، مفاهیم جدید و آشکار تازه‌ای از روابط بین دول و اندیشه‌های اقتصادی شکل گرفتند.

این مفاهیم و چارچوب تئوریک در تعقیب دو هدف بوده اند: الف) توصیف و ارزش‌گذاری اقدامات جاری ب) تهیه دستورالعمل‌هایی که مبین اقدامات اقتصادی مؤثر در آینده باشد. (رفیع، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۳)

نظریه‌های تحریم ارتباط مستقیمی با بکارگیری قدرت اقتصادی دارد. همان‌طوری که گیلپین در این مورد اذعان می‌کند، که تحریم اقتصادی یعنی دستکاری روابط اقتصادی به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی. برخی تحریم‌های اقتصادی را جزیی از مهارت‌های دیپلماتیک می‌دانند. این برداشت بیشتر مربوط به قرن‌های پیش است. در حال حاضر استراتژی برای برپا نمودن جنگ اقتصادی در جریان خصومت‌های جاری عصر نوین دارای مفهومی بسیار گسترده‌تر از مفهوم سنتی است. مخصوصاً، بعد از جنگ سرد و در دهه‌ی ۱۹۹۰ الگوی تحریم دچار تغییر شده است؛ بطوری که از تحریم به عنوان سیاست برتر یا جایگزین ابزار نظامی با هزینه‌ی کمتر یاد می‌شود. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۴) در حوزه‌ی تحریم‌های بین‌المللی دو دیدگاه وجود دارد:

الف - نظریه خام یا سنتی تحریم

مفروض اصلی نظریه خام و یا سنتی این است که درد و رنج ناشی از اعمال مجازات‌ها بر شهروندان دولت هدف، موجب می‌شود که آنها حکومت خود را تحت فشار قرار دهند تا خواسته جامعه جهانی را بپذیرد. (Klotz, 1999: 195-212) در چنین دیدگاهی که به شدت مورد انتقاد است، شهروندان بی‌گناه قربانی مجازات‌های بین‌المللی و رفتار دولت خودشان می‌شوند. این نوع مجازات‌ها در دهه‌ی نود پیامدهای انسانی نگران‌کننده‌ای در پی داشت. (Elliott, 2005: 136)

بر اساس این نظریه، هر قدر اعمال مجازات‌ها شدید و دقیق باشد، بهتر می‌تواند به اهداف مورد نظر خود دست پیدا کند. بین سیاست و اقتصاد فاصله‌ای وجود ندارد و تأثیر آنها بر یکدیگر بسیار شدید می‌باشد. رضایت مردم از حکومت شرط دوام آن می‌باشد. سقوط اقتصادی دولت به فروپاشی سیاست آن منجر می‌شود و ممکن است دولت هدف برای جلوگیری از سقوط، رفتارش را تغییر دهد. (McMahan, 2006: 225) امروزه نظریه‌ی سستی اعمال مجازات‌ها با دو مشکل عمده روبه‌رو است: یکی مشکل اخلاقی و دیگری مشکل عملی. از نظر منتقدان مردم عادی نباید قربانی تضعیف اهداف دولت بشوند. زیرا تضعیف مردم عادی طبق هیچ اصل اخلاقی و طبق هیچ مکتب حقوقی قابل پذیرش نیست. (Stave & Drury, March 2002: 257-258)

از نظر عملی نیز نظریه سستی تحریم‌ها با مشکلاتی روبروست که می‌توان آنها را در چهار مورد به صورت خلاصه بیان کرد؛ مشکل اول، باعث ایجاد بازار سیاه در داخل کشور هدف می‌شود و چون در این کشورها اقتصاد در دست دولت و تحت هدایت دولت است آنها به گونه‌ای عمل می‌کنند که وضعیت به وجود آمده عملاً علیه گروه‌های مخالف دولت در این کشورها باشد. مشکل دوم، بهره‌گیری دولت‌های هدف از احساسات ملی‌گرایانه و پنهان شدن در پشت پرچم ملی است. آنها به دلیل در اختیار داشتن رسانه‌های گروهی، اعمال تحریم‌ها را به دشمنان خارجی ملت‌ها نسبت داده و دشمنان داخلی خود را به همکاری با آنها متهم می‌کنند (Weiss, Caright, 2003: 163) تضعیف بیشتر مخالفان دولت هدف در قیاس با دولت و رهبران آن به عنوان مشکل سوم مد نظر است؛ مشکل چهارم به خطر افتادن روابط و فرصت‌های اقتصادی کشورهای اعمال‌کننده مجازات‌ها علیه دولت هدف است که معمولاً در مجازات‌های بین‌المللی کم‌رنگ شده و برای کشورهای فاقد روابط اقتصادی کاملاً بی‌تأثیر است.

ب- نظریه تحریم‌های هوشمند

نظریه تحریم‌های هوشمند در پی به حداقل رساندن پیامدهای انسانی مجازات‌های اقتصادی، افزایش فشار بر دولت هدف، و حل و فصل مجازات‌های بین‌المللی به صورت مسالمت‌آمیز است. این نظریه، بر خلاف نوع سستی، اعمال فشار بر رژیم‌ها را جایگزین فشار بر مردم کرده است تا هزینه‌های انسانی مجازات‌ها را کاهش داده و حمایت بیشتر دولت‌های

جهان را کسب کند. این نظریه از سوی سازمان ملل مورد حمایت بوده و تاکنون چندین کنفرانس بین‌المللی برای بهبود شیوه‌ها و روش‌های اعمال مجازات‌های هوشمند در سوئیس، استکهلم، و آلمان برگزار شده است. (www.smartsanctions.se)

به رغم ادعای طرفداران نظریه مجازات‌های هوشمند این مجازات‌ها نیز نمی‌توانند بدون پیامدهای انسانی علیه شهروندان باشند. منتقدین این نظریه می‌گویند که هوشمند بودن این مجازات‌ها بدین معنی نیست که مردم از پیامدهای آن در امان باشند. دولت‌ها و رهبران را نمی‌توان از مردم آن جوامع جدا کرد و صرفاً رهبران آنها را هدف تحریم‌های اقتصادی و مجازات‌های بین‌المللی قرار داد. مجازات‌های هوشمند نیز مانند مجازات‌های سنتی می‌توانند مورد سوء استفاده رهبران قرار گیرند. با وجود این، مجازات‌های هوشمند بین‌المللی به دلیل دقیق و فراگیر بودن از یک سو و حمایت گسترده بین‌المللی از آنها از سوی دیگر تاکنون بهتر از مجازات‌های دوجانبه و سنتی توانسته‌اند به اهداف مورد نظر برسند. همکاری گسترده بین‌المللی، حمایت از مخالفان داخلی حکومت‌های هدف، ارائه مشوق‌ها به جای مجازات‌ها یا در کنار آنها، پیشنهادات جدیدی است که برای مؤثرتر شدن تحریم‌های بین‌المللی ارائه می‌شود. (خبرگزاری فارس، نشر ۱۳۸۶/۰۷/۰۹) قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران نیز در این چارچوب قابل تحلیل و ارزیابی است.

بخش دوم - تأثیر تحریم‌های حاصل از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ در سطح خرد (تأثیرات کوتاه مدت)

۱- تأثیر بر عوامل تولیدی

اقتصاد هر کشوری برای رشد و توسعه نیازمند به دست آوردن عوامل تولید از منابع مختلف است و این عوامل تولید در یک فرآیند اقتصادی می‌تواند برآیندی مناسب در جهت رشد اقتصاد را داشته باشد؛ یعنی اقتصاد در هر صورت نیازمند به منابع سرمایه‌ای، تکنولوژی روز، مواد اولیه، مدیریت و سازماندهی مناسب و نیروی انسانی ماهر است که در قالب عوامل تولید بتواند به روش‌های مناسب درهم ترکیب شوند تا یک فعالیت اقتصادی در بخش‌های مختلف مانند صنعت، کشاورزی و خدمات حاصل گردد، اما مسأله مهم اینجاست که امروزه

در دنیا هیچ کشوری فقط به منابع داخلی خود به عنوان عوامل تولید تکیه نمی‌کند، بلکه حساب ویژه‌ای روی منابع بین‌المللی به منظور افزایش قدرت تولید باز کرده است که در این صورت اولین اثر کلان تحریم‌ها کاهش منابع بین‌المللی و غیرداخلی است؛ یعنی عوامل تولید خارج از مرزها وارد اقتصاد داخلی یک کشور نمی‌شود. (<http://www.roozonline.com>)

در نتیجه اقتصاد نمی‌تواند با اتکای محض به منابع داخلی در مسیر شتابان رشد و توسعه قرار گیرد. از طرف دیگر باید گفت یک اقتصاد سالم و مولد بدون حضور در بازارهای بین‌المللی و افزایش قدرت رقابت پذیری معنا ندارد. (<http://www.iraneconomist.com>)

ضمن اینکه گرفتن سهم از بازارهای بین‌المللی نیازمند وجود شرایط عادی در فضای سیاسی یک کشور است؛ پس اگر کشوری در حالت تحریم قرار بگیرد نمی‌تواند سهم مناسبی از بازارهای بین‌المللی داشته باشد و رقابت‌پذیری خود را نیز از دست می‌دهد. پس به‌طور کلی باید گفت تحریم در یک نگاه کلی از یک سو منابع عرضه عوامل تولید در اقتصاد ایران را کاهش خواهد داد و از سوی دیگر نیز با کاهش سهم اقتصاد ایران از بازارهای جهانی کاهش رشد اقتصادی کشور را در پی خواهد داشت. (<http://www.hamseda.ir>)

۲ - کاهش جریان سرمایه‌گذاری در نتیجه تحریم‌ها

سرمایه همیشه به دنبال جایی است که در آن خطر اندک و سود یا بازده اقتصادی زیاد باشد. سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از مسائل عمده‌ی اقتصادی مطرح بوده، برای ایجاد و تداوم رشد اقتصادی تشکیل سرمایه در هر کشوری به ویژه ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. اقتصاد ایران سالهاست از کمبود پس‌انداز رنج می‌برد و انباشت سرمایه داخلی آن اندک است. پس ایران برای افزایش تولید و عقب‌نماندن از قافله جهانی به سرمایه خارجی نیاز دارد، و ضرورت جذب سرمایه خارجی را بسیار احساس می‌کند. سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً در دو قالب؛ الف) سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی که معمولاً به صورت خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس، و قبوض سپرده در بانکهای خارجی می‌باشد. در این صورت سرمایه خارجی در هر لحظه قادر است با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه‌اش را به کشور خود یا کشور ثالث منتقل نماید. در نتیجه در شرایطی که وضعیت اقتصادی کشور میزبان رو به

وخامت گذارد یا سطح بازدهی سرمایه رو به کاهش گذارد، معمولاً این سرمایه‌گذار به سرعت از کشور خارج خواهد شد. (عبداللهی، شهریور ۱۳۸۵: ۷۳-۷۵)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری است که متضمن مناسبات بلند مدت بوده است، منعکس‌کننده کنترل واقعی و مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور در خارج موطن سرمایه‌گذار باشد. سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در شرایط امن صورت می‌گیرد، اعمال تحریم‌های بین‌المللی رابطه مستقیمی با کاهش میزان سرمایه‌گذاری دارد. (متقی، ۱۳۷۹: ۵۵)

۳- تأثیر تحریم‌ها بر درآمدهای نفت و گاز و کاهش سرمایه‌گذاری در این بخش

بدون شک رابطه نفت و اقتصاد ایران رابطه‌ای منطقی نیست. نفت بر تمامی وجود اقتصاد ایران سایه افکنده است. اهمیت نفت در اقتصاد کشور و عرصه اجتماع به قدری زیاد است که وقتی در خرداد ۱۳۸۷ نفت در چاه شماره یک مسجد سلیمان شروع به فوران کرد، برای اولین بار مسیر برای تحقق دولت مدرن با سرعت زیادی فراهم شد. (رنانی، ۱۳۸۷/۸/۹) ادامه وابستگی بدون برنامه به این ثروت بین نسلی باعث شده است که دولت مدرن پس از عبور از مراحل اولیه تکامل و با ورود به دیگر عرصه‌های رشد، دچار مشکلات بسیاری شود. با این وابستگی یک قرن، به نظر می‌آید با فرض هر نوع برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده، کشور نمی‌تواند به‌آسانی و بزودی خود را از این ارتباط بی‌نیاز سازد. بنابراین، به‌دلیل ادامه ناخواسته و یا برنامه‌ریزی شده این وضعیت، نیاز به سرمایه‌گذاری در این صنعت در زمان حال و آینده ضروری است. (پيله‌فروش، ۱۳۸۸: ۱۳۴) اهمیت این سرمایه‌گذاری به دو دلیل است:

اقتصاد ایران، اقتصادی تک‌محصولی است. براین اساس نقش نفت و درآمدهای نفت در تأمین منابع بودجه عمومی و ارز مورد نیاز کشور دارای اهمیت فزاینده‌ای است. وابستگی بودجه به نفت در اقتصاد ایران در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱- وابستگی بودجه به نفت از سال ۱۳۷۹ - ۱۳۸۸ (مهرآزما، ۱۳۸۷/۸/۹)

شرح	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	قانون بودجه سال ۱۳۸۸	بودجه بودجه سال ۱۳۸۱
وابستگی بودجه به نفت	۵۶/۸	۵۵/۸	۶۰	۶۶/۷	۶۲/۵	۶۸/۴	۷۰/۴	۶۱/۹	۶۷/۴	۵۸/۴	۵۴/۵

مطابق ارقام مندرج در جدول ۱ در سال‌های مورد نظر همواره وابستگی بودجه کل کشور به نفت، بیش از ۵۰ درصد بود.

در همین راستا «توماس فریدمن» تحلیلگر ستون سیاسی روزنامه نیویورک تایمز به خوبی وابستگی اقتصاد و سیاست ایران به دلارهای نفتی را آشکار نموده است. این تحلیلگر در یادداشتی با عنوان «سیاست نفتی»^۱ اشاره می‌کند که «واقعیت این است که تا زمانی که قیمت نفت بالاست، ایران قدرت کافی برای مقاومت کردن در برابر فشارهایی که به برنامه هسته‌ای این کشور وارد می‌شود را دارد. تا زمانی که نفت حدود بشکه‌ای ۷۰ دلار باشد، تحریم‌های اقتصادی ما تنها موجب آزار و اذیت است، اما با نفت ۲۵ دلاری این تحریم‌ها به طور جدی ضربه وارد خواهد کرد» (<http://www.amazon.com>). اگرچه نمی‌توان این تحلیل را در کلیت آن پذیرفت، اما در بعد وابستگی اقتصاد و سیاست ایران به نفت حائز اهمیت است. این وابستگی بالا، ضمن اینکه آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را زیاد می‌کند، بیانگر این واقعیت است که در صورت عدم تحقق ارقام سرمایه‌گذاری مربوط به این بخش، بودجه کل کشور یکی از منابع عظیم تأمین منابع خود را از دست خواهد داد. داشتن سهم و یا حفظ سهم ایران در بازار جهانی نفت و استفاده از این موقعیت در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی، از این حیث، اقتصاد کشور دارای یک هم‌پیوندی ناخواسته‌ای (بدون برنامه‌ریزی) با دنیای خارج

1- Petro Politic

می‌شود. در این ارتباط وضعیت عرضه و تقاضای بازار جهانی نفت به صورت ناخودآگاه و غیرارادی بخش نفت کشور را در سپهر تأثیرات خود قرار می‌دهد. (مهرآزما، ۱۳۸۸: ۱۴۲)

سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران عمدتاً از منابع سرمایه‌گذاری خارجی، منابع داخلی و درآمدها عمومی تأمین می‌شود. مطابق اطلاعات در دسترس، ۷۰ درصد سرمایه مورد نیاز بخش نفت کشور باید از منابع خارجی و مابقی باید از منابع داخلی تأمین شود. بنابراین، صنعت نفت کشور وابستگی بسیار شدیدی به سرمایه‌گذاری خارجی دارد. (رام، ۱۳۸۶: ۱۰۳-۱۰۴)

از سوی دیگر، ایران سالیانه حدود ۲۸۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه نفت تولید دارد و برای جبران این نفت باید سرمایه‌گذاری کند. از طرفی بسیاری از چاه‌های نفت کشور بیش از نصف عمر خود را گذرانده‌اند و چاه‌های پیری هستند که نیاز به بازسازی مجدد دارند. برای این بازسازی و افزایش در بازدهی تولید در صنعت نفت کشور که مهم‌ترین موتور درآمدی کشور به حساب می‌آید، باید هر چه سریع‌تر منابع لازم برای سرمایه‌گذاری فراهم شود. بعضی از این منابع در داخل کشور تأمین می‌شود و بعضی دیگر منابع خارجی خواهد بود (همانطوری که در بالا ذکر شد حدود ۷۰ درصد از این سرمایه‌ها منابع خارجی را شامل می‌شود)، اما همان‌طور که اشاره گردید به دلیل تشدید تحریم‌ها، سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌های خارجی در میدان نفتی ایران کاهش پیدا کرده و ادامه این وضعیت مسلماً صنعت نفت ما را عقب خواهند انداخت.

در واقع مهم‌ترین اثر تحریم‌ها در بلند مدت این است که می‌تواند باعث کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز گردد و نگذارد ایران به سقف تولید مورد نظر خود دست یابد. (رام، ۱۳۸۶: ۱۰۳-۱۰۴)

۴- اثر تحریم‌ها بر تکنولوژی و انتقال فناوری از خارج

فناوری در طول ۱۵۰ سال گذشته، ابعاد گوناگون زندگی انسانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و ابزارها، روش‌ها و فنون نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خاصی را در جهت ارتقای زندگی بشری ارائه کرده است. افزایش پیچیدگی‌های فن‌آوری و توسعه روزافزون سرایت این قبیل نوآوری‌ها به مراحل طراحی، به‌کارگیری و بهبود سیستم‌های تسلیحاتی (به ویژه در مورد

تسلیحات غیر متعارف) باعث شکل‌گیری پدیده جدیدی تحت عنوان فناوری‌های دو منظوره شده که متمایز از فناوری‌های صرف نظامی و اقتصادی است. (کیوان حسینی، ۱۳۷۷: ۴۹-۵۰) همان‌طوری که در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ ذکر شده است، تکنولوژی‌هایی که دارای کاربرد دوگانه هستند، از ورود به ایران منع شده‌اند، این درحالیست که منبع تکنولوژی‌های نو و جدید در آزمایشگاه‌های کشورهای پیشرفته است و کشورهای مختلف به این صورت می‌توانند از ورود این تکنولوژی‌ها به اسم جلوگیری از صادرات تکنولوژی‌هایی که دارای کاربرد دوگانه هستند، جلوگیری کنند.

۵- پیامدهای تحریم حاصل از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ بر بانک‌ها و مبادلات مالی

سیستم بانکی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان بازوی دولت به شمار می‌رفته و می‌رود. به ویژه در اجرای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بخش مهمی از موفقیت این برنامه متأثر از میزان توانمندی نظام بانکی است که با تحریم بانک‌ها این توانمندی مورد هدف قرار گرفته است. در میان تحریم‌هایی برخاسته از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ که فضای اقتصاد را ملتهب نموده، تحریم بانک‌ها بیش از دیگر تحریم‌ها فعالیت‌های اقتصادی و بالاخص فعالیت بخش خصوصی را تحت شعاع قرار می‌دهد. در این راستا به بررسی تأثیرات تحریم بانک‌ها بر جنبه‌های مختلف سیستم پولی و مالی می‌پردازیم: (<http://www.farazeandishe.ir>)

الف. تأثیرات تحریم بانک‌ها بر روی سیستم مالی و پولی کشور:

۱- افزایش مخاطره در خصوص منابع بانک

از آنجایی که ایرانیان زیادی با شعب خارج از کشور دارای مراودات مالی می‌باشند، با اعمال این تحریم‌ها بخش اعظمی از منابع بانک‌های ایرانی تحریم شده، در این کشورها به مخاطره می‌افتد. در عین حال برخی از مشتریان خارجی نیز مراوداتی با این شعب داشته‌اند که

منجر به این مسأله می‌گردد که فرآیند تجارت با شرکت‌ها و افراد ایرانی سخت‌تر شده و هزینه‌های آن را افزایش دهد. (<http://chpd.sbu.ac.ir>)

۲-۱ افزایش مطالبات

با اعمال تحریم و محدودیت شرکت‌ها در تأمین منابع ارزی مورد نیاز خود از طریق بانک‌ها، مشتریانی که منابع مورد نیاز خود را از طریق گشایش اعتبار تأمین می‌کنند، دچار مشکل شده و به دلیل مکمل بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرآیند تولید، نمی‌توانند محصولات خود را طبق زمانبندی پیش‌بینی شده تولید نمایند. از این رو، به دلیل عدم توانایی در بازپرداخت تسهیلات خود، به نظر می‌رسد که بانک‌های تحریم شده در کوتاه مدت با افزایش مطالبات مواجه گردند. هرچند پیش‌بینی می‌شود در بلندمدت، به دلیل کاهش مرادوات ارزی و کاهش چشمگیر گشایش اعتبارات اسنادی، روند صعودی افزایش مطالبات ارزی بانک کاهش یابد. (<http://www.globalresearch.ca/index>)

۳- کاهش اعتماد فروشندهگان بین‌المللی به سیستم بانکی

اعتماد فروشندهگان بین‌المللی نسبت به بانک‌های ایرانی به شدت کاهش می‌یابد، به طوری که به عدم انجام مرادوات با این بانک‌ها تأکید می‌کنند و اشاعه‌ی این موضوع در سطح وسیع بانکی بسیار جبران‌ناپذیر خواهد بود. (<http://www.seemab.ir>)

۴- تحمیل هزینه‌های تأمین مالی

افزایش نرخ حق بیمه تسهیلات، نرخ تنزیل اسناد ایران در بانک‌های خارجی، کارمزدهای بانکی پرداختی در مرادوات با بانک‌های خارجی، هزینه‌ی خرید از واسطه‌ها، هزینه کارمزد گشایش اعتبارات اسنادی و نهایتاً هزینه‌های جایگزینی کارگزاران بانکی، از جمله هزینه‌هایی هستند که بانک‌های تحریم شده با آن مواجه می‌شوند.

۵- کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی

مهم‌ترین عامل که کلیه بانک‌های تحریم شده را در برمی‌گیرد امکان کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی در داخل کشور و خروج بیشتر سرمایه از کشور به دلیل افزایش زمان و هزینه (در قسمت ورود کالا و خدمات از طریق گشایش‌ها) و تسری آن به سایر بخش‌ها به خصوص در بخش تولید است. (Time, May 1, 2006)

ب. تأثیرات تحریم بانک‌ها بر سودآوری شرکت‌هایی که دارای مراودات مالی با سیستم بانکی می‌باشند:

۱- گشایش اعتبار و نقل و انتقالات مالی با سایر کشورها

تحریم بانک‌های ایرانی در شرایطی اعلام شد که در حال حاضر حجم عظیمی از منابع بانک‌ها در اختیار بانک‌های ملی، ملت، صادرات و سپه (نزدیک به ۸۰ درصد عملیات بانکی) قرار دارد و لذا بسیار محتمل است که گشایش اعتبار و نقل و انتقالات مالی با سایر کشورها دچار معضل گردد، لذا شرکت‌هایی که با این بانک‌ها همکاری می‌کنند، دچار مشکل شده و معاملات خارجی این گونه شرکت‌ها با چالش‌های جدی همراه خواهد بود. در این شرایط، شرکت‌ها قادر نیستند تا از منابع مالی بین‌المللی به منظور اجرایی کردن طرح‌های توسعه‌ای خود بهره‌مند شوند. (یاوری، و محسنی، ۱۳۸۱: ۲)

۲ - محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی

مرسوم‌ترین روش جهت انجام واردات از سایر کشورها در دنیای مدرن، استفاده از اعتبارات اسنادی است و این بانک‌ها هستند که اعتبارات اسنادی را گشایش می‌کنند. نداشتن پشتوانه‌ی بانکی محدودیت‌های جدی برای صاحبان صنایع و دست‌اندرکاران واردات و صادرات کالا در ایران ایجاد کرده است. از آنجا که قطعنامه‌های تحریم در مورد برخی کالاها، کشورهای عضو را از معامله با تجار ایرانی منع کرده است، شرکت‌ها مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز وارداتی خود را با چندین رابطه (ارتباطات چند لایه) تهیه نموده و هزینه‌ی تمام شده‌ی محصول آنها چندین برابر می‌گردد که بدون شک بر تقاضای این محصولات تأثیر منفی داشته و به رغم

اینکه شرکت‌ها را در تأمین مالی منابع مورد نیاز خود دچار مشکل می‌نماید، آنها را در بازپرداخت منابع بانکی فعلی و آتی نیز با بحران مواجه خواهد نمود. (همان: ۱۴)

۳- افزایش هزینه و زمان معاملات و مرادوات

اعمال تحریم علیه بانک‌های ایرانی باعث شد تا شرکت‌های ایرانی که در حیطه‌ی خرید و فروش کالا با کشورهای خارجی فعالیت می‌کنند، ناگزیر شوند در فقدان پشتوانه‌ی بانکی، مشکلات را دور زده و از طریق واسطه‌ها و دلالتان کشورهای ثالث گشایش اعتبار کنند. مستقیم‌ترین پیامد چنین کاری، بالا رفتن هزینه‌ی معامله و صرف زمان طولانی‌تر برای رسیدن به اهداف و تأثیر منفی بر کیفیت و زمان‌بندی آنهاست.

۴- قطع منابع ارزی و عدم تزریق پول به شرکت‌ها

اعمال تحریم شرکت‌ها را در تأمین منابع ارزی مورد نیاز خود از بانک‌ها و تأمین‌کنندگان سرمایه‌ی داخلی دچار مشکل می‌کند، لذا تولیدکنندگانی که منابع مورد نیاز خود را از طریق فاینانس و یوزانس تأمین می‌کنند با تنگنا مواجه شده و به دلیل مکمل بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرآیند تولید، نمی‌توانند محصولات خود را طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده تولید نمایند. (<http://www.unitedagainstnucleariran.com>)

۵- دشواری انجام سفرهای تجاری

با توجه به محدودیت صدور روادید بالاخص برای کشورهای اروپایی، زمان قابل توجهی برای این موضوع صرف می‌شود که ممکن است در بسیاری از محاسبات شرکت‌های تولیدی در خصوص زمان‌بندی تولید و فروش یا محاسبات نرخ ارز اختلال ایجاد نماید. هم‌چنین طرف‌های خارجی نیز به دلیل محدودیت‌های اعمالی کشورهای ثالث از سفر به ایران اکراه دارند. (روزنامه دنیای اقتصاد ۱۲ آذر ۱۳۸۸، بانک و بیمه)

در کل بایستی گفت اقتصاد ایران از آنجایی که دارای معادلات بین‌المللی بسیار گسترده‌ای است. مسلماً تحت تأثیر عوارض تحریم‌های بانکی قرار می‌گیرد، زیرا در سال‌های گذشته نسبت تجارت بین‌المللی ایران به GDP بسیار بالا بوده است. یعنی حجم کل تجارت بین‌المللی اقتصاد ایران که رقمی حدود ۱۵۰-۱۴۰ میلیارد دلار است، اگر نسبت به تولید ناخالص داخلی که رقمی

بالغ بر ۲۸۰-۲۷۰ میلیارد دلار است در نظر گرفته شود، می بیند که نسبت تجارت خارجی ایران بالای ۵۰ درصد است. بنابراین، با تحریم بانک‌ها طبق قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ و سایر قطعنامه‌های شورای امنیت اقتصاد ایران متضرر می‌شود. (<http://www.hamseda.ir>)

بخش سوم - تأثیرات کلان تحریم‌ها

۱- اثر تحریم بر تحقق سند چشم‌انداز

ایران به تناسب وضعیت و مطابق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی در چشم‌انداز بیست‌ساله، وضعیت خود را این‌گونه ترسیم کرده است: «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل».

بخش «ج» سیاست‌های کلی نظام در دوره‌ی چشم‌انداز به امور اقتصادی اختصاص دارد. در این بخش به اهداف اقتصادی چون تحقق رشد اقتصادی سریع، پیوسته و باثبات، ایجاد اشتغال مولد، کاهش نرخ بیکاری، حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، مشارکت فعال در تقسیم کار بین‌المللی، اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های جدید و بهره‌برداری بهینه از منابع اشاره شده است. به‌طور کلی در سیاست‌های کلی نظام در دوره‌ی چشم‌انداز، شاخص‌های مهم اقتصادی در دوره‌ی ۱۳۸۴-۱۳۹۴ در دو گزینه‌ی ادامه روند موجود و گزینه مطلوب به شرح زیر است:

جدول ۲- مقایسه‌ی شاخص‌های اقتصادی در دوره‌ی ۱۳۸۴-۱۳۹۴ در دو گزینه ادامه‌ی روند موجود، و

گزینه‌ی مطلوب چشم‌انداز

موضوع	واحد	ادامه‌ی روند موجود	گزینه‌ی مطلوب
رشد متوسط سالانه‌ی تولید ناخالص داخلی	درصد	۳/۹	۸/۶
رشد متوسط سالانه‌ی درآمد سرانه	درصد	۲/۵	۷/۲ (دو برابر سال پایه)
رشد متوسط سالانه‌ی سرمایه‌گذاری	درصد	۳/۹	۱۰/۹
نرخ بیکاری در پایان دوره	درصد	۱۷/۵	۷/۰

۲۱۸۴	۵۲۵۷	هزار نفر	جمعیت بیکار در پایان دوره
۳۱۵۲۷	۱۰۹۲۰	میلیون دلار	صادرات کالاهای غیر نفتی در سال پایان دوره
۲۳۶۴۵	۵۳۲۰	میلیون دلار	صادرات صنعتی در سال پایان دوره
۶۳۰۶	۱۱۲۶/۵	میلیون دلار	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال پایان دوره
۵/۰	۲۲/۰	درصد	نرخ متوسط سالانه تورم
۱۴/۰	۲۲/۷		نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین افراد جامعه در پایان دوره

جدول ۳- مقایسه‌ی وضعیت برخی شاخص‌های کلان اقتصادی کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷

سهولت کسب‌وکار	نسبت تولید ناخالص داخلی به کل تولید منطقه		بیکاری		تورم		نام کشور	ردیف
			رتبه	نرخ (درصد)	رتبه	نرخ (درصد)		
رتبه	رتبه	سهم (درصد)	رتبه	نرخ (درصد)	رتبه	نرخ (درصد)		
۶	۲	۲۰/۲	۵	۱۰/۵	۶	۱۷/۲	ایران	۱
۴	۴	۱۰/۷	۱	۵/۳	۳	۷/۶	پاکستان	۲
۳	۱	۲۴	۴	۹/۹	۴	۸/۸	ترکیه	۳
۲	۶	۴/۸	۳	۷/۳	۱	۰/۵	اسرائیل	۴
۱	۳	۱۴/۴	۲	۵/۶	۲	۴/۲	عربستان سعودی	۵
۵	۵	۱۰/۵	--	--	۵	۹/۳	مصر	۶

ارقام مندرج در این جدول براساس برابری قدرت خرید (PPP) ارائه شده است.

(<http://Laborsta.ilo.org>)

ارقام مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که ایران در سال ۲۰۰۷ در مقایسه با کشورهای منطقه در برخی شاخص‌های کلان اقتصادی در رده‌های پایین‌تری قرار گرفته است. برای

مثال، در مورد شاخص تورم که نشان‌دهنده ثبات و کارایی اقتصادی است، اسرائیل با نرخ تورم ۰/۵ درصدی، پایین‌ترین نرخ تورم را در میان کشورهای منطقه داراست. هم‌چنین کشور عربستان سعودی با نرخ تورم ۴/۲ درصدی در رتبه دوم قرار دارد. نرخ تورم ایران در سال ۲۰۰۷، به میزان ۱۷/۲ درصد بود و بر این اساس در سال مذکور، ایران در بین کشورهای فوق‌بالاترین رتبه تورم را دارا بود. در شاخص نرخ بیکاری، کشورهای پاکستان و عربستان سعودی به ترتیب دارای نرخ بیکاری به میزان ۵/۳ و ۵/۶ درصد بودند و با این ارقام دارای کمترین نرخ بیکاری در کشورهای منطقه بودند و به ترتیب در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفته‌اند. ایران نیز در این سال دارای نرخ بیکاری ۱۰/۵ درصد بود و در رتبه ششم قرار گرفت. در مورد بقیه شاخص‌ها نیز ارقام در جدول موجود است. با توجه به اهداف مصوب در چشم‌انداز ۱۴۰۴، کشور ما باید در شاخص‌های اقتصادی در بین این کشورها از جایگاه اول برخوردار شود. بدون شک پیشی گرفتن از این کشورها به برنامه‌ریزی علمی، سنجیده و قابل اتکا نیاز دارد. درحالی‌که اگر تحریم‌ها ادامه پیدا کنند، دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز نه تنها مشکل که غیرممکن است. روندها و تحریم‌های بعد از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ نیز حاکی از آن است که ما صرفاً با تحریم‌های برخاسته از شورای امنیت ملل متحد روبرو نیستیم، بلکه آمریکا اقدامات دیپلماتیک گسترده‌ای را برای تحریم‌های بین‌المللی یک‌جانبه علیه ایران آغاز کرده است. (www.doingbusiness.org)

۲- به تعویق افتادن عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

یکی از نهادهای بین‌المللی بسیار مهم که در سال‌های اخیر تأسیس شده است سازمان تجارت جهانی (WTO) می‌باشد. کشورهای عضو این سازمان ۹۰ درصد تجارت جهانی را در اختیار دارند و در راه دستیابی به بازارها، موانع غیرتعرفه‌ای را حذف و تعرفه‌ها را در فرایندی مشخص کاهش می‌دهند. عضویت در سازمان تجارت جهانی با هدف دستیابی به بازارهای بین‌المللی و کسب سود بیشتر در تجارت دنیا برای بسیاری از کشور به عنوان یک هدف راهبردی تلقی می‌شود. (جکسون، ۱۳۸۲: ۱۵۵)

ارزیابی تبعات عضویت ایران در WTO نمایانگر این است که عضویت در سازمان تجارت جهانی برای هیچ کشوری اجباری نیست، بلکه اقدامی داوطلبانه به منظور بهره‌مندی آن کشور از منافع تجارت آزاد با سایر کشورهای عضو است. اما با توجه به افزایش عضویت و گسترش پوشش سازمان تجارت بین‌المللی و این واقعیت که همان‌گونه که کشورهای عضو از امتیازات متقابلی مانند دسترسی به بازارهای یکدیگر منتفع می‌شوند، کشورهای غیرعضو قادر به استفاده از این منافع نیستند، می‌توان گفت که در آینده نه چندان دور پیوستن به سازمان عملاً اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

اساسنامه‌ی WTO به‌خصوص در مورد کشورهای توسعه نیافته بعضی امتیازات موقتی را پیش‌بینی کرده است مهم‌ترین این امتیازات عبارتند از اعطای حق اعمال محدودیت‌های وارداتی برای حمایت از منابع داخلی و اجرای سیاست‌هایی مانند یارانه به بخش‌های صادراتی به منظور رقابتی کردن تولیدات آنها در بازارهای خارجی که این امتیازات به شکل تحفظ برای مدتی معین اعطا می‌شود. (فیروزی، ۱۳۸۵: ۶۳)

بنابراین، ایران هم به عنوان یک کشور در حال توسعه در صورت تقاضای عضویت در این سازمان از امکان مذاکره با سایر اعضا با هدف تأمین حق تحفظ برخوردار خواهد بود. معتقدان به ضرورت عضویت ایران در این سازمان استدلال می‌کنند که ایران دارای مزیت نسبی در برخورداری از برخی عوامل و منافع تولیدی و به‌خصوص دسترسی به منابع انرژی و نیروی کار وافر می‌باشد که می‌توان از آنها به عنوان امتیازی در بخش تولید نام برد. به اعتقاد کارشناسان فوق این امتیازات، سازنده‌ی مزیت نسبی ایران در تولید و تجارت بوده و باعث موفقیت کشور در بازارهای جهانی خواهد شد. براساس این اعتقاد هرگاه موانع موجود بر سر واردات کالا به کشور برداشته شود منابع داخلی برای بقای خود در برابر فشار رقابت اجناس وارداتی ناگزیر خواهند شد به رقابتی کردن تولیدات خود دست بزنند و در نتیجه امکان حضور در بازارهای جهانی را هم پیدا می‌کنند. (حنیفی، ۱۳۸۲: ۱۰۳)

در صورت گسترش سازمان با عضویت تعداد بیشتری از کشورهای عضو، بیرون ماندن ایران از این سازمان به ضرر اقتصاد ملی و در نهایت محلی است. (<http://www.iranpress.ir>)

باتوجه به این مفروضات قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ اگرچه بیان نموده که در صورت پذیرفتن درخواست‌های شورای امنیت از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی حمایت می‌نماید، اما در عین حال نپذیرفتن الزامات قید شده در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ می‌تواند به عنوان یک دلیل برای تعلیق بیشتر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی استفاده شود.

نتیجه‌گیری

این مقاله با این فرض آغاز گردید که آشکارترین وجه قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ شورای امنیت در پرونده‌ی هسته‌ای ایران وجه اقتصادی آن می‌باشد که در واقع باعث تحلیل توان اقتصادی ایران می‌شود. برای بررسی اثر متغیر مستقل یعنی قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ بر توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، ما دو شاخص عام تأثیر بر سطح خرد اقتصادی و تأثیر بر سطح کلان اقتصادی را مطرح کردیم. سپس شاخص‌های عام را به شاخص‌های خاص تبدیل نموده، برای مثال در سطح خرد تأثیر بر سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌های مربوط به نفت و گاز، تأثیر بر روند ورود تکنولوژی به ایران، تأثیر بر مبادلات مالی و بانکی و غیره را بررسی کردیم. همین‌طور در سطح کلان اقتصادی تأثیر تحریم‌های برخاسته از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ را بر دو حوزه یعنی تأثیر بر سند چشم‌انداز و تأثیر بر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مورد بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که تحریم‌های برخاسته از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ باعث تحلیل توان اقتصادی ایران خواهد شد؛ یعنی در بلندمدت آثار خود را بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت.

منابع

- ۱- داوود، هرمیداس باوند، (۱۳۸۴)، دیپلماسی بومرنگ، بازگشت پیکان‌های رها شده به سوی خود، ماهنامه نامه، شماره ۴۲، نیمه مهر ۸۴.
- ۲- عسکری، یدالله، (۱۳۸۵)، بررسی و تحلیل حقوقی عملکرد آژانس بین المللی انرژی اتمی در مسئله فعالیت های هسته ای ایران، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۲، شهریور ۱۳۸۵
- ۳- رفیع، حسین، (۱۳۸۶) سلاح اقتصادی در روابط بین الملل (خاورمیانه و تحریم نفت)، تهران: نشر مذاکره.
- ۴- زهرانی، مصطفی، (۱۳۷۶) نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۵- گوهری مقدم، ابوذر، تحریم‌های اقتصادی و حقوق بین الملل، خبرگزاری فارس، نشر ۱۳۸۶/۰۷/۰۹.
<http://www.bashgah.net/pages-11228.html>
- ۶- ماکینسکی، میشل، تحریم‌ها در ایران اثرگذار بوده‌اند، سه شنبه ۱۴ دی ۱۳۸۹،
<http://www.roozonline.com>
- ۷- ایران اکونومیست، اما و اگرهای تحریم، مهدی راسخ، محمد،
<http://www.iraneconomist.com>
- ۸- عادل، محمدحسین، بررسی تحریم‌ها در بدنه اقتصادی ایران، سایت خبری تحلیلی همصدا، ۱۷ فروردین ۱۳۸۷،
<http://www.hamseda.ir>
- ۹- عبدالهی، عشرت، پیامدهای تحریم اقتصادی ایران، بانک و اقتصاد، شماره ۷۳، شهریور ۱۳۸۵.
- ۱۰- متقی، ابراهیم، تاثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۹، ۱۳۷۹.
- ۱۱- یزدان فام، همان.
- ۱۲- رنانی، محسن. نفت، سرمایه اجتماعی و امتناع توسعه، روزنامه سرمایه، پنجشنبه ۱۳۸۷/۸/۹.
- ۱۳- پیله‌فروش، میثم، گزارش شماره ۴۱ لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهمن‌ماه ۱۳۸۸.
- ۱۴- مهرآزما، ایرج. ۱۰۰ سال نفت و بودجه، صیانت از عواید نفتی؟ روزنامه سرمایه، ۱۳۸۷/۸/۹.

- ۱۵- مهرآزما، ایرج. ارزیابی عملکرد شرکت ملی نفت و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۸.
- ۱۶- رام، منصوره. بررسی موانع موجود در یافتن بازارهای مناسب برای صادرات گاز، مجله بررسی‌های اقتصاد انرژی، شماره ۸، بهار ۱۳۸۶، ۱۰۳-۱۰۴.
- ۱۷- کیوان حسینی، سید اصغر، آمریکا و استراتژی تحریم تکنولوژیکی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۷۷.
- ۱۸- قادری کنگاوری، روح الله، تأملی بر کارآمدی و ناکارآمدی تحریم‌های بین‌المللی، فراز اندیشه، ۱۳۸۹/۱۸/۰۹، <http://www.farazeandishe.ir>
- ۱۹- ساعد، نادر، تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران پس از تصویب قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ شورای امنیت، <http://chpd.sbu.ac.ir>
- ۲۰- سایت خبری سیماب، ارزیابی نتایج تحریم ها، ۲۵ مرداد ۱۳۸۹، <http://www.seemab.ir>
- ۲۱- یاور، کاظم و محسنی، رضا، اثر تحریم های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران؛ تجزیه و تحلیل تاریخی، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال شانزدهم، شماره ۶۱، بهار و تابستان ۱۳۸۱.
- ۲۲- روزنامه دنیای اقتصاد آثار و تبعات تحریم بانک‌ها در اقتصاد، ۱۲ آذر ۱۳۸۸، شاخه: بانک و بیمه.
- ۲۳- عادل، محمدحسین، بررسی تحریم‌ها در بدنه اقتصادی ایران، <http://www.hamseda.ir>
- ۲۴- چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هـ.ش.
- ۲۵- مأخذ: <http://Laborsta.ilo.org>
- ۲۶- www.doingbusiness.org
- ۲۷- جکسون، جان. اچ. گات و سازمان تجارت جهانی، مترجم محمدجعفر قنبری جهومی، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
- ۲۸- فیروزی، مهدی، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات، بازتاب اندیشه، شماره ۷۵، تیر ۱۳۸۵.
- ۲۹- حنیفی، فریبا، مزایا و معایب الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، مجله تعاون، شماره ۱۴۶ و ۱۴۷، آبان ۱۳۸۲.
- ۳۰- مهدوی‌نیا، اسماعیل، آثار و تبعات عضویت در سازمان تجارت جهانی بر اقتصاد ملی و محلی، <http://www.iranpress.ir>
- 31- Audie, klotz, Diplomatic Isolation UN Netac, Crawford and Audicklotz (c ds). How sanctions Work, London: Macmilan, 1999.

- 32- Kimberly A.Elliott, Trends in Economic Sanction Policy: Challenges to Conventional Wisdom in Peter Wallenstein and Carina Sataibano. International Sanction: London: Frank Cass.2005.
- 33- Robert Macmahan, UN Sanction: a Mixed Record, November17, 2006.
- 34- Sateve, Cham & Couper Drury. Sanction as Economic Satatecraft: Theory and Practice, American Political Science Review, vol.96, no1. March2002.
- 35- Weiss, T.G; Caright, D; Lopez, G.A; Miincar, I (eds) Political Gain and Civilian Pain: Humanitarian if Economic Sanction Right, the New York times. July 27T 2003. A 14..
- 36- GeorgeA. Lopez, Economic Sanction and Failed Satates: too Little: too Late and Sometimes too Much?, April 11, 1999.Available at: www.comm.uesb.edu.
- 37- Michael friksson, bibliographic paoer on international sanctions, may27, 2003.available at. www.smartsanctions.se.
- 38- Thomas L.Freidamn, Hot, Flat, and Crowded: Why We Need a Green Revolution-- and How It Can Renew America, retrievd from Ahttp://www.amazon.com.
- 39- Akbar E. torbat, UN Financial Sanctions on Iran: Political Confrontation, Iran'sResponsetoUSthreats,Retrievedfrom, http://www.globalresearch.ca/index
- 40- . See "A Financial Hit on Iran," Time, May 1, 2006
- 41- TheEffectofSanctionsonIran,retrievedfrom, http://www.unitedagainstnucleariran.com
- 42- .Acil Tabbara, "Most UAE banks stop transfers to Iran after sanctions," AFP, September 5, 2010. Available at http://www.google.com/
- 43- .Sen. the Hon. Kim IV. Wilson. JP (2010), Update to the Sanctions Regime with Regard to Iranian Persons and Entities, Retrieved from, http:// www. Gov. BM/.